



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۳۹

۶ دی ۱۳۸۱

۲۷ دسامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

جایگاه رفراندوم در تحولات سیاسی ایران

۲- رفراندوم برای تعیین حکومت بعد از رژیم اسلامی

فاتح بهرامی

در بخش اول این بحث در هفتگی شماره ۱۳۷ اشاره کردم که شعار رفراندوم در درون حکومت، که اساسا از طرف دوزخدای ها با هدف تهدید جناح راست و در متن جدال های دو جناح مطرح میشود، پوچ و بی پایه است، زیرا نه جناح راست به آن تن میدهد و نه مردم حاضرند با ماندگاری جمهوری اسلامی کنار بیایند. رفراندوم در جمهوری اسلامی شعار مردم نیست و ابزار تغییر چیزی نیست و برگزاری آنهم بدلیل موضع مردم در قبال کل حاکمیت و بدلیل موقعیت جناح راست قابل انجام نیست. در ادامه این بحث در اینجا به جایگاه و هدف شعار رفراندوم برای تعیین حکومت بعد از جمهوری اسلامی میپردازم که از طرف بخشی از اپوزیسیون سرنگونی طلب، و در راس آنها سلطنت طلبان، مورد تاکید قرار میگردد.

واقعیت اینست که هر حزب و جریان سیاسی خواهان برقراری حکومتی است که با اهداف و منافع طبقاتی اش سازگار باشد و آنرا تامین کند، و دولت مورد نظرش هم ارگانی خواهد بود برای حفظ آن منافع، طرح و برنامه ای هم که برای اداره جامعه به مردم ارائه میکند و همچنین روشی که برای رسیدن به قدرت و بدست گرفتن حکومت پیشنهاد میکند نیز با آن اهداف و منافع طبقاتی همخوانی دارد، ابزار پیشبرد اهدافش هم نمیتواند در خدمت تامین آن منافع نباشد. این نکته یک موضوع اساسی برای بررسی محتوای تبلیغات کلیه جریاناتی است که برای رقم زدن آینده سیاسی ایران در صحنه سیاست حضور پیدا میکنند و فعالیت میکنند. بطور کلی، آن جریان سیاسی که خواهان از میان رفتن استثمار و تبعیض و نابرابری در جامعه است و وجود اینها را مغایر با شان و حرمت و حقوق انسان میداند، با جریان سیاسی دیگری که بقای استثمار و تبعیض و نابرابری در جامعه را برای تامین منفعت خود و طبقه اش لازم و ضروری میداند، بر سر نوع حکومت و نحوه اداره جامعه و دایره حقوق و آزادی های مردم در جامعه اختلاف اساسی و جدی دارند. این دو جریان متعلق به دو جنبش طبقاتی و اجتماعی متفاوت هستند که با هم در تضاد هستند. بنابراین احزاب سیاسی ای که متعلق به این دو جنبش هستند برای اداره جامعه

صفحه ۴

منشور آزادی های سیاسی معیار احترام به اراده مردم

مصاحبه با آذر ماجدی



برقراری نظامی که بر منافع مردم منطبق است، بیشتر است. وجود حزب کمونیست کارگری، حزبی قوی که منافع و خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم را نمایندگی میکند ضمانتی است در این جهت. اما این هم محتمل است که جمهوری اسلامی از

صفحه ۲

مختلفی انجام گیرد. کاملا ممکن است که جمهوری اسلامی از طریق انقلاب توده ای سرنگون شود. این بهترین و مطلوب ترین شکل سرنگونی جمهوری اسلامی از نقطه نظر منافع مردم است. هر چه مردم بیشتر در صحنه اعتراض و مبارزه حضور داشته باشند و به نیروی مبارزه خود جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، امکان و شانس

هفتگی: انتشار منشور آزادی های سیاسی یکی از اقدامات دفتر سیاسی حزب به منظور تامین شرایط لازم برای دخالت مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران است، نقش این منشور در شرایط حاضر چیست؟

آذر ماجدی: جمهوری اسلامی در حال سرنگونی است. سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند در شرایط

انقلاب، شوراها، و آزادیهای سیاسی

حمید تقوایی



صفحه ۲

های حکومتیان از راست و اصلاح طلب در واقع عکس العمل در مقابل جنبش سرنگونی طلبانه مردم بوده است. بدون این جنبش شخصیت های دوزخدای همچنان زیر علم ولی فقیه مشغول سازمان دادن زندان و اعدام و سرکوب بودند و صحنیتی هم از ضرورت اصلاحات و دموکراسی اسلامی در میان نبود. نه خاتمی موضوعیتی پیدا میکرد و نه پدیده دو خرداد و بهمهراه آنان خیل اپوزیسیون اصلاح طلب و تدریج گرای حکومت که تمام هنرش ممانعت

ما بارها بر این واقعیت تاکید کرده ایم که عامل پایه ای و تعیین کننده در تحولات سیاسی ایران جنبش اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی است. جنبش سرنگونی که حدود ۶ سال است با پرچم نه به کلیت رژیم ادامه دارد سرمنشا بسیاری از تحولات سیاسی در این دوره بوده است: از علم شدن خاتمی و رئیس جمهوری وی تا بحران و اختلافات درونی حکومت و تا بوجود آمدن خط دوزخداد در بیرون و درون رژیم. بسیاری از سیاستها و موضعگیری

دستگیری در آمریکا و عکس العمل به آن

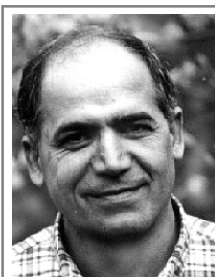
مصاحبه با علی جوادی



۱۱ سپتامبر تلاشی گستردهتر برای به راست چرخاندن جامعه آمریکا توسط هیات حاکمه این کشور است. این گوشه ای از جلال بر سر تعیین چند و چون نظم نوین جهانی و به اعتباری معنا بخشیدن به ابعاد داخلی این نظم ارتجاعی است. کنترل پلیسی بیشتر جامعه، محدود کردن اختیارات و حقوق مدنی شهروندان بستر عمومی این

صفحه ۳

هفتگی: اخیرا دولت آمریکا صدها تن از ایرانیان مقیم آمریکا را دستگیر کرده است، هدف دولت آمریکا از این اقدام چیست؟
علی جوادی: جهان با فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر وارد یک دوره سیاه و خونبار شد. جنگی که هیات حاکمه آمریکا آن را "جنگ با تروریسم" نامید در حقیقت شروع جنگی بین دو قطب ارتجاعی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی بود. یکی از پیامدهای فاجعه



درومرد اظهارات

وزارت امور خارجه آلمان

صفحه ۳

مبارزه برای افزایش دستمزدها

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

مصاحبه با آذر ماجدی

طریق بند و بست از بالا و یا از طریق کودتا سرنگون شود. در این شرایط تلاش میشود تا حکومتی را علیرغم خواست مردم به آنها تحمیل کنند، از دخالت مردم در زندگی سیاسی ممانعت بعمل آید، و آزادی های سیاسی بشدت محدود شود. نقش منشور آزادیهای سیاسی بویژه برای جلوگیری از پیش آمدن چنین شرایطی برجسته میشود.

منشور آزادی های سیاسی از نظر ما ابزاری است برای تامین شرایط مناسب سیاسی برای دخالت مردم در زندگی سیاسی جامعه، برای تامین حداقل ملزومات فعالیت آزاد سیاسی که شرط لازم انتخاب آزادانه مردم است. در اوضاعی که سرنگونی جمهوری اسلامی به یک امر بدیهی و فوری در جامعه بدل شده است، حیاتی است که برای تامین این ملزومات تلاش کنیم. بخصوص در جامعه ای چون ایران که همواره تحت دیکتاتوری خشن و سرکوب سیاسی قرار داشته است، جامعه ای که تجربه تلخ و خونین سرکوب یک انقلاب عظیم را پشت سر دارد، مبارزه برای تامین چنین شرایطی از

اهمیت ویژه ای برخوردار است. مردم ایران هیچگاه این امکان را نداشته اند که در شرایطی آزاد و امن در زندگی سیاسی شرکت کنند و نظام حاکم بر جامعه را انتخاب کنند. لذا بسیار مهم و حیاتی است که مفاد منشور وسیعا در جامعه اشاعه یابد و منشور آزادی های سیاسی همچون یک امر بدیهی و غیر قابل چشم پوشی در سطح جامعه تثبیت گردد. تعهد به این منشور باید به یک فاکتور مهم در قضاوت احزاب و جریانات سیاسی بدل شود. بنظر من میزان احترام به رای و اراده مردم، احترام به آزادی و درجه احساس مسئولیت احزاب سیاسی را باید با درجه تعهد آنها به این منشور و تلاش شان برای تحقق مفاد آن سنجید. باین ترتیب منشور آزادی های سیاسی نقش مهمی در جدال سیاسی جاری و آتی در ایران بازی میکند. نه تنها تامین مفاد آن برای تضمین حداقل ملزومات شرایطی که مردم بتوانند آزادانه حکومت آتی را انتخاب کنند، ضروری است، بلکه تعهد یا عدم تعهد جریانات سیاسی به منشور آزادی های سیاسی خود عاملی مهم در دستیابی به یک شناخت و انتخاب آگاهانه توسط مردم است.

هفتگی: مفاد منشور بخشی از مجموعه وسیع مطالبات برنامه حزب کمونیست کارگری است که همیشه مورد تاکید

بوده. با توجه به این نکته، چه عواملی اهمیت این بندها را بعنوان منشور آزادیهای سیاسی توضیح میدهد؟
آذر ماجدی: حزب کمونیست کارگری برای یک جامعه کاملا آزاد و برابر مبارزه میکند. ما خواهان رفع تبعیض بمعنای واقعی کلمه و نه صرفا حقوقی هستیم. در نتیجه ما به ریشه نابرابریها دست میبریم. ما خواهان لغو کار مزدی هستیم. "یک دینای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری ناظر بر تامین چنین مناسباتی است. تلاش دائمی ما جلب وسیعترین بخش مردم به این برنامه و برقراری نظامی است که این مناسبات را تامین میکند. جمهوری سوسیالیستی پاسخ حزب کمونیست کارگری است. لذا روشن است که زمانی که حزب کمونیست کارگری در قدرت باشد نه تنها منشور آزادیهای سیاسی، بلکه آزادیهای بسیار وسیع تری بلافاصله در جامعه تثبیت میشود. تعهد حزب به منشور آزادیهای سیاسی از پیش روشن است، چرا که این مفاد، همانطور که شما گفتید، بخش بسیار کوچکی از مطالباتی است که در برنامه حزب مطرح شده است. اهمیت منشور آزادی های سیاسی، همانطور که در سوال قبل توضیح دادم، در اینست که حداقل ملزومات یک شرایط آزاد و امن مبارزه سیاسی را تامین میکند. ملزوماتی که بدون

آن امکان فعالیت آزاد مردم در زندگی سیاسی سلب میشود، و در آنصورت صحبت از انتخاب آزادانه مردم بوج خواهد بود. این منشور به یک معنا قواعد مبارزه سیاسی آزاد در جامعه را تعیین میکند. احزاب و جریانات سیاسی را تحت فشار میگذارد تا با تعهد به مفاد آن عملا احترام خود به اراده و رای مردم را نشان دهند.

هفتگی: بلحاظ عملی از امروز با این منشور چکار باید کرد و چه اقداماتی لازم است در دستور گذاشته شوند؟
آذر ماجدی: حزب کمونیست کارگری به سهم خود در اشاعه وسیع منشور آزادی های سیاسی فعالانه میکوشد. تلاش میکند تا تعهد به این منشور به محکی برای قضاوت احزاب و جریانات سیاسی بدل شود. باید کاری کرد تا منشور آزادی های سیاسی به یک امر بدیهی و غیرقابل چشم پوشی در سطح جامعه تبدیل شود.

بعلاوه ما این منشور را برای کلیه احزاب و جریانات اپوزیسیون خواهیم فرستاد و از آنها دعوت خواهیم کرد که در دیالوگ بر سر مفاد آن و اعلام تعهد به آن فعالانه شرکت کنند. بنظر من هر حزب و جریان سیاسی که مدعی است به رای و اراده مردم احترام میگذارد باید از چنین منشوری استقبال کند. باید در نظر داشت که صرف اعلام

از صفحه ۱

انقلاب، شوراها، و آزادیهای سیاسی

از مبارزات مردم بانتظار تحولات از بالاست نیز اساسا علت وجودیش را از دست میدهد.

در موضوعگیریهایی اپوزیسیون راست حکومت، ناسیونالیسم پروغری و یا سلطنت طلب، نیز عکس العمل نسبت به جنبش سرنگونی طلبانه مردم نقش تعیین کننده ای داشته است. بر حذر داشتن مردم از "خوشونت" در مقابله با رژیم، تر نافرمانی مدنی و بالاخره شعار رفراندوم بخشی از سیاستهایی است که اپوزیسیون راست در برابر مردم اتخاذ کرده است. محور تمام این سیاستها جلوگیری از تعمیق و گسترش جنبش سرنگونی است. اپوزیسیون راست میخواهد مردم تا ضربه نهائی به پیش نروند و انقلاب دیگری در ایران رخ ندهد. این شانس برای اعاده رژیم که خود یکبار با انقلاب کنار زده شده است باقی نمیگذارد. در استراتژی راست مردم همانقدر اهمیت دارند و نیرویشان بحساب میآید که راه را برای نوعی بند و بست و یا کودتا از بالا هموار کنند. بیش از آن از چارچوب نافرمانی مدنی بیرون میروند و غیر مجاز اعلام میشود. عبارت دیگر اپوزیسیون راست رژیم، دقیقا بخاطر راست بودنش،

اپوزیسیون انقلاب نیز هست. در مقابل، حزب کمونیست کارگری پرچمدار جنبش سرنگونی است. ما خواهان حضور هر چه وسیعتر و متشکل تر مردم، کارگران و زنان و جوانان در میدان مبارزه هستیم. ما میخواهیم جمهوری اسلامی را بقدرت انقلاب مردم سرنگون کنیم. و از اینرو وظیفه خود را تقویت جنبش سرنگونی، هر چه بیشتر متشکل کردن صفوفش، و رادیکالیزه کردن و روشن و شفاف کردن شعارها و اهداف آن قرار داده ایم.

مصوبات اخیر دفتر سیاسی قدیمی در این جهت است. اقدامات طرح شده در قطعنامه، یعنی اعلام نشست نمایندگان شوراها بعنوان ذیصلاح ترین ارگان تعیین نظام آتی و منشور آزادیهای سیاسی در خدمت تقویت جنبش سرنگونی قرار دارند. این اقدامات اثباتا پیش شرطها (آزادیهای سیاسی) و نحوه دخالت مردم در تعیین حکومت (شوراها) را بروشنی و ابهاماتی که با طرح شیوه هائی نظیر رفراندوم و مجلس موسسان بر سر راه جنبش سرنگونی و نهایتا انقلاب قرار داده میشود را کنار میزنند. رفراندوم و یا مجلس موسسان مشخصا صندوق رای را بعنوان آلترناتیو انقلاب مطرح میکنند. این احترام به رای مردمی که هر روز دارند با اعتراضات و مبارزاتشان در سطوح و به انحاء مختلف رای به رفتن جمهوری اسلامی میدهند نیست. برعکس، مقابله با آنست. دامن زدن به این توهم است که گویا میشود جمهوری

اسلامی را با رای گیری برکنار کرد. رفراندوم هم مثل "خوشونت نکند" و از نافرمانی مدنی فراتر نرود" شعاریست برای محدود و ساقط کردن مبارزات مردم و باز کردن راه برای سازش و بند و بست و یا کودتا از بالا. صندوق رای را بجای انقلاب میگذارد تا دقیقا حق مردم در تعیین نظام آتی را نفی کند. معنای عملی رفراندوم "برکنار کردن رژیم با صندوق رای" نیست، "تحریف و سد کردن انقلاب برای سرنگونی رژیم" است. صندوق رای تنها قرار است به این مقابله با انقلاب یک ظاهر مردم پسند بدهد و بس.

طرح نشست نمایندگان شوراها کل این بازی را به هم میریزد. نه به این معنا که همین امروز این طرح عملی است، بلکه به این دلیل که همین امروز از رفراندوم بعنوان شیوه دخالت مردم در تعیین حکومت سلب صلاحیت میکند و لذا ارزش مصرف امروزی آن را، که تنها کاربرد عملی این شعار است، خنثی و باطل میکند. راهی که شوراها در چشم انداز مردم قرار میدهد دخالت مستمر و متشکل مردم در مقررات سیاسیشان است، این راه انقلاب است. و راهی که رفراندوم وعده میدهد تمام بیحقوقی و بی اختیاری فرد کنترل یافته به یک رای در هر انتخاباتی است، و این راه سازش و بند و بست و ممانعت از

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۱

سه شنبه ها، ۶:۳۰ شب بوقت تهران

در همین جهت است. این گام دیگری

از صفحه ۱

مصاحبه با علی جوادی

تلاش است. تمام این محدودیتها و کنترلهای بیشتر پلیسی را به بهانه امنیت داخلی و امنیت مردم به پیش بردند. از طرف دیگر قابل پیش بینی بود که هیات حاکمه آمریکا در جنگ با اسلام سیاسی محدودیت و کنترل بیشتری بر شهروندان کشورهای اسلام زده از جمله مهاجرین ایرانی ساکن آمریکا ایجاد کند. مردمیکه که خود یا از قربانیان تروریسم اسلامی بوده و یا از شر این ارتجاع فرار کردهاند، به یکبار خود را قربانی جنگ تروریستها یافتند. آمریکا در جنگ دوم جهانی هم دست به چنین اقدامی زد. مهاجرین ژاپنی ساکن آمریکا در یک اقدام ضد انسانی جمع آوری شدند و جنگلی به کمپهای تجمع منتقل شدند. بنظر من این چهار جوب عمومی اهدافی است که دولت آمریکا در پس این اقدامات دنبال میکند.

هفتگی: عکس العمل و اعتراض به این دستگیری ها چگونه بود؟

علی جوادی: یک رادیوی محلی که بعضا به مسائل اجتماعی مهاجرین ایرانی و کمتر به مسائل سیاسی میپردازد، فراخوان به تظاهرات چهارشنبه هفته گذشته را داد. اما شرکت گسترده مردم معترض ربطی به سیاست این رادیو ندارد. این فراخوانی به اعتراض در شرایط مناسب و زمانی مناسب بود. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی هم از ایرانیان آزادیخواه و معترض خواست که با شعارهای آزادی فوری تمامی دستگیر شدگان، توقف فوری سیاست دستگیریهای دسته جمعی، هیچ انسانی غیر قانونی نیست، نه به تروریسم اسلامی نه به تروریسم دولتی آمریکا، و مرگ بر جمهوری اسلامی در این اعتراض شرکت کنند. بافت اجتماعی شرکت کنندگان در این تظاهرات بطور ویژه با سایر تظاهراتی این شهر تفاوت داشت. حضور جوانان در این تظاهرات چشمگیر بود. دو نسل از مهاجرین ایرانی ساکن لس آنجلس، چه آنها که حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی دلیل مهاجرتشان است و چه آنها که در آمریکا متولد شدند و این اقدام اداره مهاجرت را ضد انسانی قلمداد میکردند، در این تظاهرات بطور گسترده شرکت کردند. اطلاعیههای حزب و همبستگی به شدت مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

هفتگی: رژیم اسلامی تلاش کرد که چهره مدافع دستگیرشدگان بخود بگیرد، و بی بی سی هم اعلام کرد که "مسلمانان" دستگیر شدند و ایرانیان تظاهرات کردند. ارزیابی شما از این تلاشها چیست؟

علی جوادی: رژیم اسلامی بی شرمانه

کوشید که از این اعتراض برای خود بهره برداری کند. دوم خردادها، تودهها، اکثریتی ها، و سایر وکلای مدافع رژیم اسلامی هم چنین سیاستی را دنبال کردند. واضح است که این تلاشها ربطی به نفس این تظاهرات ندارد. تکلیف رژیم اوپاش اسلامی و مدافعینش روشن است، دارند اهداف ارتجاعی خودشان را دنبال میکنند. اما بی بی سی هم ماتریال لازم تبلیغاتی را برایشان فراهم کرد. بی بی سی اعلام کرد که "دستگیری مسلمانان، تظاهرات ایرانیان مقیم آمریکا را در پی داشت. جعل و تحریف حقیقت کار همیشگی و جزئی از تعریف شغلی بی بی سی است. در این ماجرا کسی بخاطر عقیده به اسلام دستگیر نشد. این اقدام بی بی سی نمونه دیگری از همان سیاستی است که خمینی را از اعماق منجاب اسلام سیاسی به جلوی صحنه سیاست کشاند و رهبر انقلاب قلمداد کرد و انقلاب مردم در سال ۵۷ را انقلاب اسلامی نامید و کل دستگاه تبلیغاتی خود را برای حمایت و حفظ جریان کثیف اسلامی بکار انداخت. علاوه بر بی بی سی برخی از دستگاههای تبلیغاتی سوپر راست آمریکا هم تلاش کردند همین تصویر را از این اعتراضات ارائه دهند. کوشیدند تا این اعتراض را در کمپ اسلامیهستیا و نه تلاش بشریت متمن و معترض به سیاستهای ضد انسانی و دست راستی هیات حاکمه آمریکا قرار دهند. اکثریت عظیم کسانیکه در این تظاهرات شرکت کردند کسانی هستند که شب و روز به رژیم اسلامی و دودمانش لعنت میفرستند.

هفتگی: عکس العمل سلطنت طلبان و اپوزیسیون طرفدار آمریکا به تظاهرات مردم علیه دستگیری ها چه تفاوتی با دیگران داشت و ارزیابی شما از آن چیست؟

علی جوادی: عکس العمل این طیف خیره کننده بود! به نحو عریانی رو در روی مردم معترض قرار گرفتند. در دنیای مالخولیائی اینها نیرویی خارج از دو کمپ ارتجاعی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی وجود ندارد، بشریت متمن و آزادیخواهی وجود ندارد. آنها برای توجیه سیاست خود، درست مانند محافل دست راستی آمریکا، این اعتراضات را به رژیم اسلامی و جریانان وابسته به آن منتسب کردند. محافل از اینها حتی با همان دلایل اشکرافت، دادستان فاشیست آمریکا، به حمایت آشکار از اقدامات ضد انسانی اداره مهاجرت برخاستند. اما وضع آقلر شور بود که رضا پهلوی برای خریدن آبرو برای این صف ناچار شد بعد از ده روز نامهای در این زمینه به جورج بوش بنویسد و ضمن درخواست حمایت بیشتر دولت آمریکا از خود و جریانش خواستار تخفیف این سیاست دستگیری

اصغر کریمی

پاسخ وزارت امور خارجه آلمان به افشاگرهای مینا احدی علیه دولت آلمان مبنی بر سکوت و همکاری این دولت با جمهوری اسلامی، که در روزنامه تاگس زایتونگ منتشر شد، نکات مهمی را بازگو میکند. در این دفاعیه وزارت امور خارجه آلمان این اتهام را که "در دفاع از حقوق قربانیان سنگسار اقدامی نکرده است" رد کرده و گفته است که "فیشر وزیر امور خارجه با همتای ایرانی خود صریحا و علنی در مورد حقوق بشر نیز گفتگو کرده است". و اضافه کرده است که "با جنجال کمتر میتوان تاثیر گذاشت تا با سیاست عملی پشت صحنه".

چه دفاعیه محکمی! چه استدلالات محکمه پسندی! حتما عقل یک کابینه را برای این جوییه رویهم ریخته اند! ولی دولتی که در اوج بزرگترین سرکوب سیاسی قرن بیست و کشتار دهها هزار کمونیست و مخالف سیاسی، با سران حکومت اسلامی دست دوستی داده است، به آنها تسلیحات و تجهیزات مخوف جمهوری اسلامی را آموزش داده است چه چیزی برای دفاع از خود دارد. دفاعیه بی مایه فیشر استیصال یک دولت مرتجع اروپائی است که با یکی از جنایتکارترین حکومت های تاریخ ساخته است.

چیزی که در این میان حائز اهمیت است فشار رو به رشد آن نیروئی است که بعنوان نماینده جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، بعنوان نماینده بی تخفیف حقوق و آزادیهای زنان، بعنوان نماینده رادیکال مردم سرکوب شده، بعنوان نماینده حقوق حقه کارگران و مردم پیاخاسته ایران دولت آلمان را به یک عکس العمل ضعیف و دفاعی کشانده

درمورد اظهارات وزارت امور خارجه آلمان

است. نیروئی که نمیگذارد هر دولت مرتجع جمهوری اسلامی و سران جنایتکارش را اصلاح طلب و دمکرات معرفی کند و به آنها جایزه نوبل بدهد. نیروئی که ضرب و شتم رویا مصیبتی ها را که بخاطر همان سنگسار و حجاب اجباری و آپارتاید جنسی به آلمان پناهنده شده اند به بی آبرویی و افتضاح سیاسی و اخلاقی برای دولت آلمان تبدیل کرد، همان نیروئی که کنفرانس برلین را که هاینریش بل به تبعیت از سیاست آقای فیشر ترتیب داد تا خاتمی را بعنوان نماینده مردم به خورد جامعه آلمان بدهد به شکست کشاند و استقبال بی نظیری را که قرار بود در مقابل خاتمی بعمل آید ناکام گذاشت. به این لیست دهها مورد دیگر را هم باید اضافه کرد. همین فشارها و از جمله فعالیت های گسترده مینا احدی هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنگسار بود که هاینریش بل را مجبور کرد کنفرانس علیه سنگسار ترتیب دهد و بجای قاتلین مردم ایران، مینا احدی را به سخنرانی دعوت کند. همین فشار آقای فیشر را هم وادار به پاسخ کرده است.

آقای فیشر نماینده افکار عمومی مردم آلمان نیست، ایشان متعلق به هیئت حاکمه مرتجع این کشور است. این مینا احدیها هستند که افکار عمومی این کشور را در مقابل سنگسار و اعدام و حجاب و اسلام سیاسی، و در مقابل دیپورت و ضرب و شتم مردم فراری از جمهوری اسلامی نمایندگی میکنند. دنیای متمن به ما، به نیروی آزادیخواهی که در مقابل اسلام سیاسی قاطعانه قد علم کرده است، نیاز دارد تا حقایق را از زبان ما بشنود. نفعی در سیاستهای دول مرتجع اروپا ندارد. این سیاستها با انسانوستی و آزادیخواهی مردم، خوانائی ندارد. مردم به حقایق مربوط به ایران و خاور میانه و اسلام

سیاسی دارند از طریق ما پی میبرند. وظیفه بسیار سنگینی در این زمینه روی دوش ما است. اما حقیقت گوئی و رادیکالیسم ما، دفاع پیگیر و انسانی ما از حقوق و آزادیهای مردم، نیاز امروز جامعه بشری به ما و سیاستهای ما، به چپ چرخیدن و سیاسی شدن فضای اروپا درمورد اسلام سیاسی و مسائل خاورمیانه و رشد جنبش آزادیخواهانه مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی، آن نقاط قوت و پایداری است که برای ما فرصتی تاریخی فراهم کرده است تا روایت ما از اسلام سیاسی به روایت عمومی در غرب تبدیل شود و نه روایت آقای فیشر و بوش و بلر. یکبار اجازه نداد مردم غرب به آفریقای جنوبی از دریچه چشم هیئت حاکمه اروپا نگاه کنند، اینبار نوبت ما است. ما به پیروزی مان در این جنگ باور عمیق داریم و جنبش ما و تک تک کادرها و اعضای ما با تمام وجود آماده اند این رسالت تاریخی را به سرانجام رسانند. این آن واقعبیت عظیم و شکوهمندی است که دولتهای مرتجع اروپا را مجبور به عقب نشینی های بسیار تاریخی تر خواهد ساخت. پاسخ دفاعی فیشر به مینا احدی و دعوت بنیاد هاینریش بل از او گوشه کوچکی از این عقب نشینی در مقابل افکار عمومی ای است که توسط ما دارد شکل میگردد.

جمهوری اسلامی بیش از اینها ارتجاعی است و بیش از حد جنایت کرده است. این حکومت مورد نفرت عمیق و وسیع مردم است و به حکم مردم در صحنه و نه "پشت صحنه" میروند که سرنگون شود. آقای فیشر و سایر مقامات دولت آلمان تردید نداشته باشند که نفرت و بی آبرویی عظیمی بیار خواهند آورد و در این جنگ در مقابل ما بازنده خواهند بود. ■

منتشر شد

منصور حکمت

از انتشارات بنیاد منصور حکمت

مجموعه آثار جلد ششم

کمونیسم کارگری (۱)

۱۳۶۷ - ۱۳۶۴

بشود! سلطنت طلبان و اصولا جریاناتی که بغیر از توپ و تانک و موشک کروز و دستگاه تبلیغاتی آمریکا راه دیگری برای به قدرت رسیدن ندارند، نمیتوانستند برای نمایش هم که شده در کنار این اعتراضات قرار بگیرند. اینها در جنگ تروریستها مدافعین بی قید و شرط تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل هستند. دولت دست راستی آمریکا ناجی و امید این جریانات برای رسیدن به تاج و تخت است. منطقا و اصولا نمیتوانستند سیاست دیگری اتخاذ کنند. تبلیغات هیستریک این جریانات هم ناشی از موقعیت سیاسی شان است. بعلاوه مگر در زمان حکومت خودشان چه پروندهای در دفاع از حقوق مدنی مردم دارند؟ مردم دستگاه ساواک و نفی کوچکترین حقوق مدنی در زمان زمامداری این جریانات را فراموش نکرده اند. ■

پایان سال و مبارزه برای افزایش دستمزدها

شهلا دانشفر



معروض اخراج قرار دارند و یا کارشان را از دست داده اند، را نیز در موقعیت بهتری برای مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه شان و علیه اخراج و گرفتن حق بیمه بیکاری و دیگر مطالباتشان قرار خواهد داد. بویژه در شرایطی که جامعه حالت بیمی انفجاری را به خود گرفته است به میدان آمدن کارگران صنایع کلیدی نقش مهم و تعیین کننده ای نه تنها در مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها بلکه در تغییر و تحولات سیاسی کنونی ایران میتواند داشته باشد. باید به تدارک این مبارزات برویم. از هم اکنون باید مجامع عمومی کارگری بر سر اشکال پیشبرد این مبارزه تصمیم بگیرند. مبارزت کارگری در سال ۸۱ تجربیات موفقی از حرکات و اعتراضات فراکارخانه ای را به نمایش گذاشته است. مبارزاتی که دهها کارخانه را در بر میگرفت، نظیر آنچه که در ۲۵ تیرماه در مقابل سازمان تامین اجتماعی اتفاق افتاد و هزاران کارگر به خیابانها آمدند و یا مبارزه همزمان ۴ کارخانه در کرمانشاه و تجمع اعتراضی هزاران کارگر در میدان این شهر و نیز تجمع کارگران از شرکتهای مختلف وابسته به بنیاد مستضعفان در ۱۶ آذر در برابر ساختمان اداره کار در تهران. میتوان با به خدمت گرفتن تمامی این تجربیات و با اتکا به روابطی که در میان کارخانجات مختلف و محیط های کارگری و در دل این اعتراضات بوجود آمده است، مبارزه ای گسترده و سراسری را سازمان داد. مجامع عمومی کارگری حلقه کلیدی و حلقه اتصال تمامی این روابط و حلقه اتصال مراکز کارگری به یکدیگر است. با اتکاء به دامن زدن به جنبش وسیع مجامع عمومی کارگری، هم قول شدن بر سر مبارزه ای متحد بر سر خواست افزایش دستمزدها و میزان آن، برقراری تماس با کارخانجات دیگر و رسیدن به تصمیماتی مشترک میتوان از هم اکنون به استقبال مبارزه ای قدرتمند و سراسری رفت.

با نزدیک شدن به ماههای پایانی سال، دوباره بحث بر سر خواست افزایش دستمزدها به موضوع داغ روز در میان کارگران از یکسو و در کریدور های دولت از سوی دیگر تبدیل شده است. هر ساله در این موقع از سال کمسیون شورای عالی کار مجلس کار خود را برای بررسی و تعیین میزان حداقل دستمزد سراسری کارگران برای سال آتی آغاز میکند.

امسال در شرایطی به استقبال این مبارزات میرویم که اوضاع سیاسی جامعه بیش از هر وقت ملتهب است. به میدان آمدن معلمان با خواست افزایش دستمزدها و اعتراضات اخیرشان شیوه مبارزه بر سر خواست افزایش حقوق و دستمزدها را به صدا درآورده است. یک خواست مهم کارگران قند میاندوآب در ۱۲ آذر ماه و کارگران چوکا در ۲۴ آذر خواست افزایش دستمزدها بود. در شرایط امروز هر حرکت و اعتراضی با حمایت وسیع مردم روبرو میشود. در چنین شرایطی کارگران از موقعیت و فرصت مناسب تری برای به میدان آمدن با خواست افزایش دستمزدها و دیگر خواستها و مطالباتشان برخوردارند. طبعاً وزنه سنگین مبارزه برای افزایش دستمزدها عمدتاً بر دوش کارگرانی قرار دارد که در مراکز بزرگ و کلیدی اشتغال دارند و این کارگران نفت، توانیر، ذوب آهن، ماشین سازیها و مراکز متمرکز، بزرگ و کلیدی کارگری هستند که میتوانند ابزار فشار مبارزه ای قدرتمند برای خواست افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات کارگران باشند. در این موقع از سال و سنتا بحث بر سر خواست افزایش دستمزدها عمدتاً موضوع بحث همین بخش از کارگران یعنی کارگرانی است که از موقعیت با ثبات تری برخوردارند و در بخش های کلیدی تولید جامعه به کار اشتغال دارند. به میدان آمدن این بخش از کارگران، کارگران دیگری را که ماههاست دستمزدی دریافت نکرده اند و یا در

از صفحه ۱ جایگاه رفراندوم در تحولات سیاسی ایران

رفراندوم برای تعیین نوع حکومت حتی در بهترین حالت، یعنی شرایطی که آزادیهای سیاسی در جامعه حاکم باشد و مردم از برنامه احزاب مطلع باشند، هدفش ترمز زدن به ادامه مبارزه مردم و جلوگیری از اعمال اراده آنهاست. زیرا قرار است مردم در یک روز به پای صندوق های رای بروند و مثلاً به حکومت نوع جمهوری یا سلطنی رای بدهند. بعد از رای کار مردم تمام است و باید به خانه برگردند و از فردا رئیس جمهور یا شاه با دم و دستگاه سرکوش مشغول حکومت کردن میشود، مردم دیگر قرار نیست دخالتی در زندگی و سرنوشت خود داشته باشند، رایشان را داده اند و اکنون صاحب رای است که "حکومت تعیین میکند". در شرایط آزاد سیاسی و حضور وسیع مردم در صحنه سیاست این سناریو اتفاق نمیافتد و جایی هم در چنین وضعیتی حکومتی از طریق رفراندوم سر کار نیامده است. پیام آنهاست که امروز شعار رفراندوم میدهند اینست: مردم انقلاب نکنید؛ دست به "خشونت" نزنید، یعنی به ارگانهای سرکوب و پادگانها و ماشین حمله نکنید و آزا برای ما که خواهیم آمد نگهدارید؛ برای اعمال اراده خود و بدست گرفتن سرنوشت خودتان شوراهایتان را تشکیل ندهید؛ به مبارزه برای احقاق حقوق لگدمال شده و برقراری آزادی واقعی ادامه ندهید، رای دادید حالا برگردید سر کار! اینها مضمون و پیام واقعی شعار رفراندوم است. بهمین دلیل حزب کمونیست کارگری با شعار رفراندوم برای تعیین حکومت آینده ایران مخالف است.

حزب کمونیست کارگری خواهان برپائی جامعه ای بدون استثمار و بدون تبعیض و نابرابری است. خواهان آزادی کامل و بدون تخفیف در کلیه عرصه های مربوط به زندگی انسانهاست. از نظر حزب ما تامین آزادی و برابری و رفاه مردم از طریق وعده و وعید صورت نمیکیرد بلکه از طریق حضور دائمی مردم برای اعمال اراده خود آنها یعنی متشکل بودن در شوراها قابل تامین است. بهمین دلیل حزب ما راه رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر را پیروزی کمونیسم کارگری و برقراری جمهوری سوسیالیستی میدانند. پیروزی کمونیسم کارگری و رهائی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی پیا خاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

و سازمان اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن پاسخهای کاملاً متفاوت دارند. تعریفشان از حق و آزادی، از انسان و جایگاه آن، و از نقشی که انسانها باید در کلیه عرصه های جامعه و زندگی خود ایفا کنند، متفاوت و مغایر یا هم است. بنابراین پرچمی که احزاب سیاسی برای آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی بدست میگیرند و روشی که برای تحقق اهدافشان مورد تاکید قرار میگیرند باید در متن اهداف پایه ای تر این جریانات مورد بررسی قرار گیرد که بالاتر به آن اشاره کردم. با توجه به این نکته است که میتوان هدف واقعی شعار رفراندوم را برای تعیین حکومت بعد از رژیم اسلامی بررسی باز شناخت. یکی از مدافعین اصلی شعار رفراندوم برای تعیین حکومت آینده ایران جریان ناسیونالیسم طرفدار غرب و سلطنت طلبان هستند. این جریان نماینده بخشی از بورژوازی ایران است که میخواهد سرمایه داری ایران را بر اساس کار ارزان و کارگر خاموش بازسازی کند. برای بازسازی این سرمایه داری و تضمین سود سرمایه و قدرت رقابت در بازار جهانی باید کار ارزان باشد، یعنی بیحقوقی کارگر و پائین نگاه داشتن سطح معیشت او ضروری است. اما این بلافاصله ایجاب میکند که اعتراض طبقه کارگر کنترل شود و به سود سرمایه آسیب نرساند، یعنی باید بتواند با قدرت طبقه کارگر و توان اعتراضی اش مقابله کند. از اینرو این جریان نیازمند برقراری یک نظام سیاسی مبتنی بر یک استبداد پلیسی-نظامی است. جالب است که یکی از سردمداران این جریان مدتی پیش برای بیمه بیکاری و "تنیل" نشدن کارگران خط و نشان کشیده بود. در نتیجه این جریان، مستقل از اینکه موقعیت اپوزیسیونی امروز وادارش میکند از "احترام به رای مردم" و دموکراسی حرف بزند، خواهان نوع حکومتی است که آزادی و حقوق اکثریت عظیم جامعه را به بند بکشد. اما این جریان در یک شرایطی که وسیعترین آزادیهای سیاسی در جامعه به قدرت مردم آزادیخواه برقرار شده باشد، امکان به قدرت رسیدن ندارد چون طبقه کارگر، زنان، جوانان و مردم تشنه آزادی با دست خود حکم اسارت مجدد خودشان را امضا نمیکند. در دنیای واقعی اینها برای به قدرت رسیدن فقط از طریق کودتا و کمک آمریکا و زد و بند از بالای سر مردم شانس دارند. در نتیجه شعار رفراندوم اهمیتش برای اینها بعنوان اپوزیسیون از یکسو یک پوشش تبلیغی برای دمکرات نمائی است و از سوی دیگر در شرایطی که اگر توسط کودتا یا دخالت نظامی آمریکا به قدرت رسیده باشند، نقش مشروعیت گرفتن برای حکومت کودتا را دارد. و گرنه رفراندوم با هدف تعیین نوع حکومت ذره ای به اعمال اراده مردم ربط ندارد.

یک

دنیای بهتر

برنامه حزب
کمونیست کارگری

را بخوانید

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

سایت های حزب و نهادهای
نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.m-hekmat.com

www.wpibriefing.com

www.jawanan.org

www.marxsociety.com

www.rowzane.com

www.medusa2000.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.iwsolidarity.com

www.kvwpiran.org